



مجمع کارآفرینان ایران  
Iran Entrepreneurs Forum

# ورود به عصر تحول اقتصاد جهانی

تحولات ژئوپلیتیکی؛ عرصه قمار شرکت‌های بزرگ

مرکز مطالعات استراتژیک کارآفرینی

آبان‌ماه ۱۴۰۲

تنش‌های میان آمریکا و چین و تهاجم نظامی روسیه علیه اوکراین، روند سرمایه‌گذاری در جهان امروز را به سمت کشورهای «هم‌فکر» و «هم‌سو» سوق داده است؛ این نشانه‌ای است روشن از این که شرکت‌ها دست به نوعی «قمار ژئوپلیتیکی» زده‌اند. در چندسال اخیر، استفاده از یک «واژه» خاص به طور فزاینده‌ای در گزارش‌ها و اسناد تحلیلی برخی از بزرگترین شرکت‌های جهان متداول و پرتکرار شده است. از غول‌های وال‌استریت مانند «بلک‌راک» گرفته تا بزرگانی مانند کوکاکولا و تسلا و شرکت‌های اصلی صنعتی مانند شرکت ام-۳، مدیران ارشد «اس‌اند پی - ۵۰۰» و معاونان آن‌ها در این مدت، تقریباً ۱۲ هزار بار در سال از واژه «ژئوپلیتیک» استفاده کرده‌اند (تقریباً سه برابر بیشتر از سال ۲۰۲۱). این مساله فقط در حد حرف و شعار نیست. اکنون شواهد محکمی در حال ظهور است مبنی بر اینکه همه بحث‌ها در مورد روابط بین‌المللی تیره و تار و بیش از یک دهه هشدارها در مورد پایان عصر جهانی‌شدن در نهایت باعث می‌شود شرکت‌ها مسیری به سمت «حفاظت از سرمایه» خود را انتخاب کنند. شرکت‌های چندملیتی غربی که سال‌ها از مسائل ژئوپلیتیکی اجتناب می‌کرده‌اند و به دنبال کسب سود در بازارهای کمتر توسعه‌یافته بودند، به‌طور فزاینده‌ای تمایل پیدا کرده‌اند شرکت‌ها و کارخانه‌های آینده خود را در کشورهای «هم‌فکر» و «هم‌سو» برپا کنند.

تجزیه و تحلیل بلومبرگ از داده‌های مربوط به حوزه «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» سازمان ملل نشان می‌دهد که سازمان‌دهی مجددی در جهان در حال رخ دادن است که به شکل گرفتن بلوک‌های اقتصادی و سیاسی رقیب - هرچند هنوز در ارتباط متقابل با یکدیگر - منجر خواهد شد. این تحلیل نشان می‌دهد نزدیک به ۱۸۰ میلیارد دلار از ۱/۲ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بکر<sup>۱</sup> (Green Field Investment) در سال ۲۰۲۲، از بلوک‌های ژئوپلیتیکی کشورهای که از محکوم‌کردن تهاجم روسیه به اوکراین خودداری کرده‌اند، به بلوک هم‌سو با غرب منتقل شده است. «یئو هان‌کو»، وزیر بازرگانی سابق کره جنوبی که «جهان را در حال ورود به عصر تحولات» توصیف می‌کند، گفته است: «این یک تغییر تاریخی است. یک نظم اقتصادی جدید در حال تکوین است که باعث گسترش نااطمینانی می‌شود و وضعیتی غیر قابل‌پیش‌بینی است.»

عوامل شتاب‌دهنده بروز «تغییر»، آشکار هستند. دولت‌های آسیب‌دیده از همه‌گیری کرونا به شرکت‌ها فشار می‌آورند تا منافع ملی را در نظر داشته باشند. آن‌ها یارانه‌ها و سایر مشوق‌ها را برای بازگرداندن کارخانه‌ها و محصولات تولیدی به کشورهای مبدأ، ارائه می‌کنند. تهاجم روسیه به اوکراین و پدیدارشدن رقابت بین آمریکا و چین، پایان ظهور یک مدل شکننده پس از جنگ سرد را که شاهد رونق تجارت و جهانی‌شدن بود، تسریع کرده

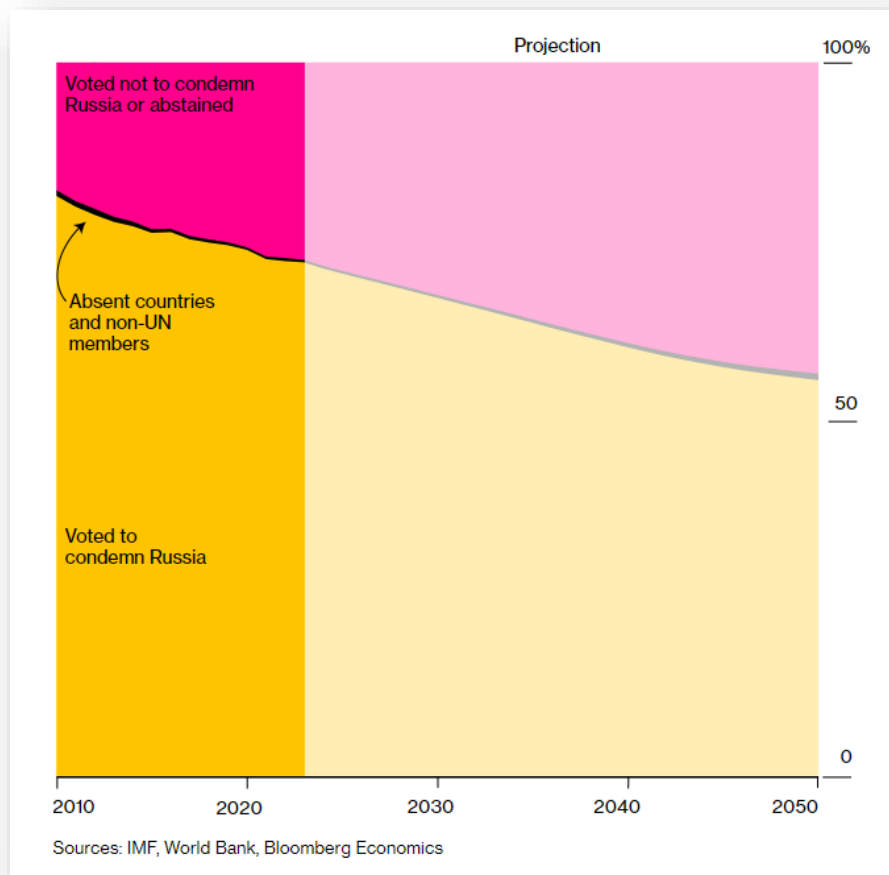
---

<sup>۱</sup> گرین فیلد، به معنای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت اصولی در تولید، صنعت و یا استقرار بخش خدمات (مالی، مدیریت، مشاوره و...) و یا گسترش و توسعه آن‌ها است. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بیشترین منافع پایدار و بلندمدت اقتصادی را با ایجاد شغل، انتقال دانش و تخصص روز، ارتقاء فضای رقابتی، پرداخت مالیات و... برای کشور میزبان به ارمغان می‌آورد و جذب آن‌ها در اولویت اول تمامی کشورهاست و با توجه به پتانسیل، منابع و درجه توسعه‌یافتگی برای جذب این نوع سرمایه‌گذاران در رقابت هستند و سعی می‌کنند با از بین بردن موانع و ارتقاء زیر ساخت‌ها به بازاری جذاب‌تر برای این سرمایه‌گذاران تبدیل شوند.

است. هزینه‌ها و پیامدهای بالقوه‌ای که سیاست‌گذاران را نگران می‌کند نیز همین‌طور است. «کریستین لاگارد»، رئیس بانک مرکزی اروپا، در اوایل سال جاری و با زبانی غیرمعمول و مستقیم اعلام کرد که «ما شاهد وقوع چندپارگی در اقتصاد جهانی و تقسیم آن به بلوک‌های رقیب هستیم، به طوری که هر بلوک تلاش می‌کند تا بیشتر نقاط جهان را به منافع استراتژیک و ارزش‌های مشترک خود نزدیک‌تر کند.»

اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول در اوایل سال جاری محاسبه کردند که در شدیدترین سناریوها که در آن اقتصاد جهانی به بلوک‌های سخت تقسیم می‌شود، در بلندمدت حدود ۷ درصد از تولید از بین خواهد رفت؛ تغییری شبیه به تصور نابودی اقتصاد فرانسه و آلمان. برای روشن‌شدن مساله می‌توان گفت که این تغییر، نه متعادل است و نه درست و روشن. کشورهای تحت رهبری ایالات متحده و قدرت‌های اتحادیه اروپا مانند آلمان و کشورهای که به محکومیت تهاجم روسیه در شورای امنیت سازمان ملل رای داده‌اند، بیش از دو سوم تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهند. چین در مرکز بلوک مقابل قرار دارد و رقابت آن برای پیشی‌گرفتن از اقتصاد ایالات متحده به عنوان اقتصاد مسلط جهان، تحت‌تاثیر «کاهش رشد» قرار گرفته است که بسیاری آن را نمایان‌گر مشکلات بلندمدت چین می‌دانند.

حتی اگر یک پرده آهنین اقتصادی جدید بر روی جهان فرود آید و موجب جدایش بین قسمت‌های مختلف شود اما این پرده آهنین بسیار متخلخل خواهد بود. امروزه اقتصادهای جهان بیشتر از همیشه یکپارچه شده‌اند و روابط آن‌ها پیچیده‌تر شده است. جنگ در اوکراین و تحریم‌های ناشی از آن، تجارت کالاهای خاص را مختل کرده و رویدادهای دیگری مانند جنگ تجاری آمریکا و چین باعث اختلالات خاص خود شده است اما واقعیت این است که در سیر این تحولات، تجارت جهانی «انعطاف‌پذیر» عمل کرده است.



آینده اقتصاد جهانی تقسیم شده به دو بلوک (سهام تولید ناخالص داخلی جهانی بر اساس بلوک‌بندی)

### به سوی بلوک‌بندی‌های نوین

قدرت «غریزه شرکت‌ها برای تعقیب سود و بازارهای پرمنفعت»، برابر با قدرت «تمایل مصرف‌کنندگان برای چانه‌زنی» است و این مساله، عصر جدید «تحول اقتصاد جهانی» را به طور پیوسته به فرایندی مبتنی بر «تعامل» تبدیل می‌کند. اعضای هر دو بلوک همچنان مشتاق به مبادله با یکدیگر هستند؛ این واقعیت را می‌توان از سفر ماه گذشته «جینا ریمودو»، وزیر بازرگانی ایالات متحده به چین دریافت که او احتمال از سرگیری فروش هواپیماهای شرکت بوئینگ و سایر محصولات صادراتی ایالات متحده را در دستور کار خود قرار داده بود. کشورهایی مانند هند که تصمیم گرفته‌اند تهاجم روسیه به اوکراین را محکوم نکنند، به دنبال روابط راهبردی جدید با ایالات متحده و دیگر قدرت‌های غربی هستند و این ارتباطات را برای خود، حیاتی تلقی می‌کنند. هم

سرمایه‌گذاران چینی و هم سرمایه‌گذاران غربی در حال روانه‌کردن سرمایه‌های خود به سوی گروهی از «اقتصادهای ارتباط‌دهنده» مانند ویتنام و مکزیک (که غالباً موضعی میانه‌روانه دارند) هستند. اما آنچه تاکنون عمدتاً شواهد غیرممتقن دال بر یک تغییر بزرگ بود، در حال کم‌رنگ‌تر شدن است و هیچ داده‌ای، نحوه تغییر جهان را بیشتر از آنچه در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بکر (به شکلی بلندمدت و کمتر قابل‌پیشبینی) اتفاق می‌افتد نشان نمی‌دهد.

بلومبرگ با استفاده از آرای سازمان ملل در مورد «محکوم‌کردن تهاجم روسیه به اوکراین» دریافت کرده است که سهم جهانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بکر در کشورهای که تهاجم را محکوم نکرده‌اند، در دو سال گذشته به طور متوسط تنها ۱۵ درصد بوده است (که از سهم ۳۰ درصدی در دهه گذشته منتهی به سال ۲۰۱۹ کاهش یافته). سهم چین، (به همراه هنگ‌کنگ)، در سال ۲۰۲۲ به کمتر از ۲ درصد کاهش یافته است در حالی که به طور متوسط در دهه ۲۰۱۰-۲۰۱۹ حدود ۱۱ درصد بوده است.

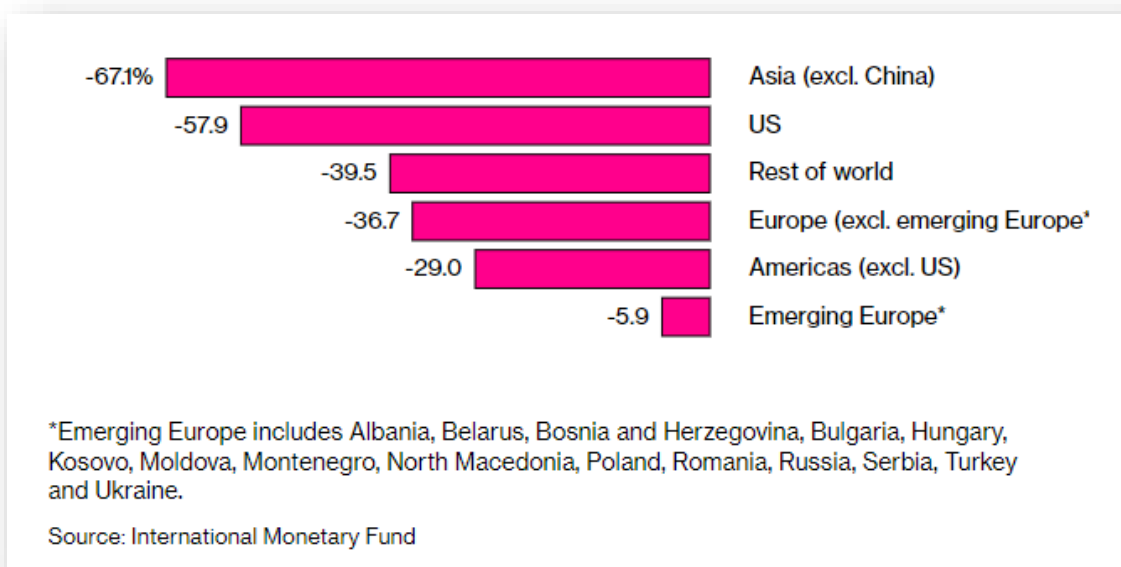
سرمایه‌گذاری در روسیه اما به طور کامل صفر شده است. این داده‌ها نشان‌دهنده افزایش سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی و غربی در کشورهای هم‌فکر و هم‌سو است. ایالات متحده بزرگترین برنده این بازی در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۲ بود و بیشترین افزایش را در سهم خود از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بکر در جهان در مقایسه با دهه منتهی به همه‌گیری کرونا تجربه کرد. تحلیل اقتصادی بلومبرگ نشان می‌دهد که سایر کشورهای گروه هفت مانند آلمان، ایتالیا و حتی بریتانیا نیز سهمی از سرمایه‌گذاری خارجی به دست آورده‌اند.

این روند ممکن است منعکس‌کننده تغییر در «سیاست صنعتی» ایالات متحده برای تشویق سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش‌های استراتژیک مانند نیمه‌رساناها و وسایل نقلیه الکتریکی و همچنین واکنش متحدان اروپایی و آسیایی آن مانند ژاپن، کره جنوبی و تایوان هم باشد. در حالی که سازمان تجارت جهانی در این ماه اعلام کرد پایان دادن به عصر جهانی شدن هنوز بسیار زود است، اما هشدار داده است که تنش‌های ژئوپلیتیکی شروع به شکل‌دهی به جریان‌های تجاری کرده‌اند و نشانه‌های اولیه «چندپارگی اقتصادی جهان» در حال ظاهر شدن است. سازمان تجارت جهانی تخمین می‌زند که تجارت کالا بین دو بلوک فرضی ژئوپلیتیکی - بر اساس الگوهای رأی‌گیری در سازمان ملل متحد - از زمان تهاجم به اوکراین، ۴ تا ۶ درصد کندتر از تجارت در داخل این بلوک‌ها رشد کرده است. اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول در اوایل سال جاری اعلام کردند جریان سرمایه‌گذاری و کالا، دیگر مسیرهای معمول را دنبال نمی‌کند.

نگاهی به دو دهه داده‌های صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که تحولات ژئوپلیتیکی در سال‌های اخیر، نقش تسریع‌کننده‌ای در «هدایت جریان سرمایه» ایفا کرده است. «آندریا پرسبیترو»، معاون بخش تحقیقات صندوق بین‌المللی پول می‌گوید: «حتی اگر ویژگی‌هایی مانند ریسک کشورها و فاصله جغرافیایی را که به طور

کلی، محرک اصلی تجارت دوجانبه و جریان‌های مالی هستند کنترل کنید باز هم ژئوپلیتیک اهمیت دارد.» و «به نظر می‌رسد عوامل ژئوپلیتیکی در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند.»

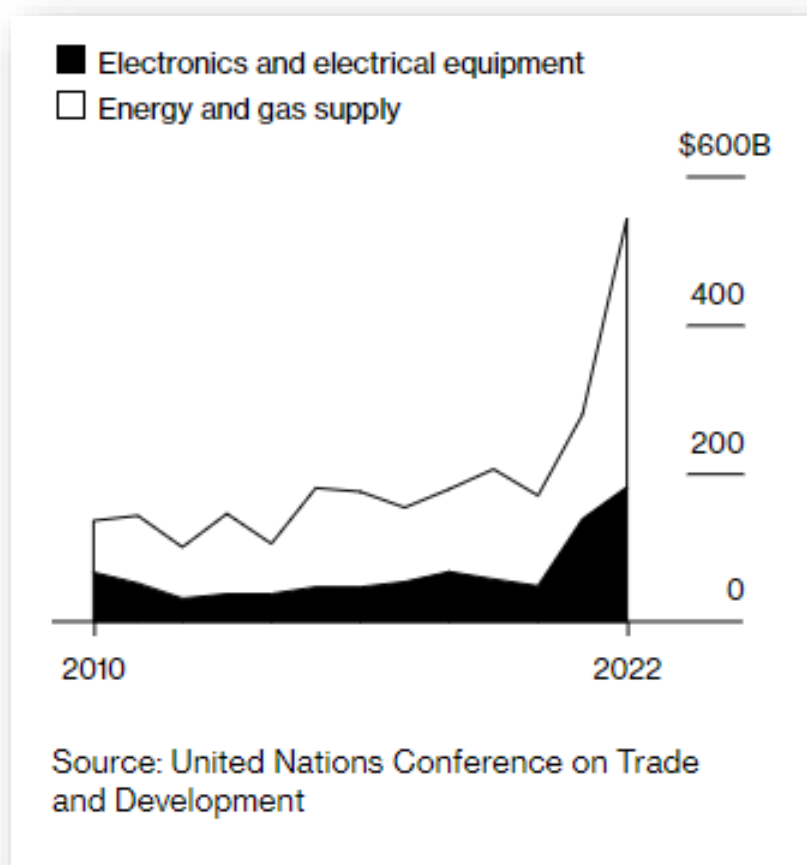
با توجه به موقعیت چین به عنوان بزرگترین کشور تجاری جهان، بیشتر این تغییرات حول محور چین در حال رخ دادن است. بر اساس تحلیل به‌روز شده صندوق بین‌المللی پول که با بلومبرگ به اشتراک گذاشته شده است، بین سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۰ تا سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۳، سرمایه‌گذاری‌های بکر شرکت‌های آمریکایی در چین ۵۷/۹ درصد و سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های اروپایی در مقایسه با پنج سال منتهی به همه‌گیری کرونا حدود ۳۶/۷ درصد کاهش یافته است. سرمایه‌گذاری باقی کشورهای آسیایی در چین نیز بیش از دو سوم کاهش را ثبت کرده است.



جهان برای تاسیس کارخانه‌های آینده به مکان‌هایی فراتر از چین می‌نگرد (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین از زمان شروع همه‌گیری کرونا، در مقایسه با پنج سال پیش از آن)

در پیشاپیش این تحولات، اهمیت فزاینده‌ای در تصمیمات سرمایه‌گذاری‌ها خودنمایی می‌کند و آن، چیزی است که اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول آن را «فاصله ژئوپلیتیکی» نامیده‌اند. صندوق بین‌المللی پول با استفاده از شاخصی که بر اساس هفت‌دهه آرای سازمان ملل ساخته شده بود، دریافته‌اند که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به مقصد کشورهای که از نظر ژئوپلیتیکی با یکدیگر هم‌سویی و هم‌فکری دارند نسبت به کشورهای که صرفاً به لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک هستند بیشتر شده است. در حالی که رقابت‌های ژئوپلیتیکی، تاکنون

اغلب بر بخش‌های «فناوری راهبردی» مانند نیمه‌رساناها یا محاسبات کوانتومی و همچنین پروژه‌های انرژی‌های نو مانند پنل‌های خورشیدی، باتری و خودروهای الکتریکی متمرکز بوده است، اما شکاف در این حوزه، در حال گسترده‌تر شدن است. تجارت کموذیتی‌های جهان در حال از هم‌گسیختگی است. همه‌چیز از حوزه انرژی، نفت و گاز شروع می‌شود اما ایالات متحده و متحدان آسیایی و اروپایی آن در تلاش هستند تا زنجیره‌های تامین جدیدی (با تاکید بر همکاری با دوستان خود) را برای مواد معدنی و سایر مواد خام مانند مس، نیکل و لیتیوم که برای تولید نیمه‌رساناها، تلفن‌های همراه و خودروهای الکتریکی حیاتی هستند، تضمین کنند.



ارزش پروژه‌های FDI بکر اعلام شده - افزایش سرمایه‌گذاری جهانی در نیمه‌رساناها و انرژی‌های تجدیدپذیر

## گریز از ریسک‌های ژئوپلیتیکی

تسری تحولات ژئوپلیتیکی به اقتصاد جهانی، هوشمندی کشورها و به‌ویژه اقتصادهای بزرگ را بیش از پیش برانگیخته است. هزینه‌های سرسام‌آور این خطرات تا حدی سنگین و بعضاً جبران‌ناپذیر است که برخی از قدرت‌های جهانی به تدوین راهبردهای خاص این حوزه مبادرت کرده‌اند. در استراتژی جدیدی که در اوایل سال جاری توسط دولت آلمان منتشر شد، این کشور اعلام کرد که «بزرگترین شرکت‌های آلمانی باید ریسک‌های ژئوپلیتیکی را به اندازه کافی در تصمیم‌گیری‌های خود در نظر بگیرند» و دولت هشدار داد که در غیر این صورت «اگر این شرکت‌ها روزی با هزینه‌های مرتبط با بحران‌های ژئوپلیتیکی مواجه شوند، نباید روی دولت آلمان برای نجات آن‌ها حساب کنند».

«جیم اونیل»، اقتصاددانی که در سال ۲۰۰۱ برای اولین بار واژه BRIC را برای برجسته‌کردن یک باشگاه جدید از اقتصادهای نوظهور ابداع کرد، تقسیم دوباره اقتصاد جهان به بلوک‌های جدید را غیرواقعی و «هیاهوی شخصیت‌های سیاسی و برخی آرمان‌گرایان» می‌خواند. او باور داشت: «حتی اگر به کشورهای که از نظر صادرات باتجربه‌ترین یا موفق‌ترین هستند، مثلاً آلمان، کره جنوبی، نگاه کنید، آنها بسیار مراقب‌اند که بیش‌ازحد وابسته به یک گروه خاص یا گروه دیگر نشوند.» و با این حال، نادیده‌گرفتن داده‌های در حال ظهور، دشوار است. شرکت‌ها روی ژئوپلیتیک قمار می‌کنند و این مساله به طور قطع، پیامدهای خاصی را در پی خواهد داشت. اقتصاددانان «موسسه خدمات مالی نومورا» در ژاپن در گزارشی اخیراً اعلام کرده‌اند که سهم چین از «صادرات آسیایی» با سریع‌ترین سرعت (حداقل در دو دهه گذشته و تا حدی به دلیل متنوع‌شدن تجارت) در حال از دست‌رفتن است. مکزیک اخیراً چین را به عنوان بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده پشت سر گذاشته است. «لری فینک»، مدیرعامل بلک‌راک، از «چشم‌انداز چندپارگی ژئوپلیتیکی» به عنوان نیروی «ساختاری» جدید یاد می‌کند و باور دارد که حتی منعطف‌ترین مدیران عامل شرکت‌های بزرگ جهانی، در حال آماده‌شدن برای دنیای جدید هستند. ایلان ماسک نیز در تماس اخیر خود با سرمایه‌گذاران در تسلا، راه حل خود را برای ظهور تحولات ژئوپلیتیکی جدید به این شکل ارائه کرده است: «بهترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که کارخانه‌هایی در نقاط متعدد و گوناگون جهان داشته باشیم. در این صورت اگر مثلاً اتفاق مخربی در بخشی از جهان رخ دهد، ما هنوز هم می‌توانیم کارها را در بقیه جاها ادامه دهیم».